نگاه

بحثی پیرامون شناخت رفتار صحیح با روسیه در گروه ۸

دیکتاتور را محکوم کنید

کریستوفر واکر*
ترجمه: علی عبدالمحمدی

آیا دموکراسی‌های بزرگ جهان باید با صدای رسا به تشریح نگرانی‌های خود پیرامون تحکیم حاکمیت استبدادی در روسیه بپردازند؟ یا اساساً کوتاه آمدن در برابر وارثان «استالین» بر گزینه فوق ارجحیت دارد؟ در این نوشتار خواهم کوشید تا پاسخ قانع کننده‌ای برای این پرسش بسیار مهم بیابم. کمتر از سه هفته به آغاز گردهمایی سران گروه ۸ کشور صنعتی G-8 به میزبانی روسیه در شهر سن‌پترزبورگ باقی مانده است. در این فاصله دموکراسی‌های بزرگ جهان از چند فرصت خوب برای ابلاغ نظرات انتقادی خویش به کادر رهبری روسیه برخوردارند. هر چه هست، تبیین این دیدگاه‌ها هر چند تکراری می‌تواند اثرات سودمندی بر وضع نامطلوب فعلی دموکراسی در روسیه بگذارد.

اما آنچه در این بین به یک موضوع پیچیده و حقیقتاً بسیار نگران‌کننده تبدیل شده موضوع امنیت انرژی است که ذهن اروپایی‌ها را بیش از سایرین به خود مشغول کرده است. دستور کار اصلی اجلاس سران گروه ۸ همین است. اتحادیه اروپا که به‌طور فزاینده‌ای به منابع انرژی روسیه وابسته است تمایلی به تحریک رهبران روس برای اتخاذ مواضع غیراصولی در قبال موضوع تامین انرژی ندارد. در عین حال، کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌دانند که اگر رهبرانی با مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال جوامع داخلی و بین‌المللی در روسیه ظهور کنند منافع آنها در درازمدت بهتر تامین خواهد شد و حتی آنها خواهند توانست به روسیه به عنوان یک شریک واقعی‌تر و قابل‌اعتمادتر بنگرند. ایالات متحده آمریکا نیز اگرچه وابستگی کمتری به منابع انرژی روسیه دارد اما به دلیل وابستگی شدید و روزافزون به نفت همواره طی سالیان اخیر تلاش کرده است تا با حفظ آرامش فقط به تامین نیازهای انرژی خویش بیندیشد و عملاً به نوعی خویشتنداری در برابر کشورهای صادرکننده نفت که غالباً چندان پایبند موازین دموکراسی نیستند تن در دهد. روسیه در زمره کشورهای مهمی به شمار می‌رود که به بخش «انرژی» به عنوان موتور اصلی اقتصادشان تکیه دارند. در عین حال، روسیه یکی از مخوف‌ترین، فاسدترین و سرکوبگرترین رژیم‌های جهان را دارد. البته، این وضعیت در دو کشور قزاقستان و آذربایجان در قلمرو سرزمینی اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز دیده می‌شود. بسیاری از کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه از جمله عربستان سعودی نیز چنین وضعیتی دارند. غرب طی سالیان اخیر همواره در جست‌وجوی یک راهبرد معقولانه برای تعامل با روسیه بوده است. در همین راستا، روس‌ها در سال ۱۹۹۸ به آنچه آن زمان گروه ۷ کشور صنعتی G-7 نام داشت دعوت شدند. بعدها گروه G-8 با هدف تضمین تعامل بهتر با روسیه و تدارک ساز و کاری برای تشویق این کشور به تعقیب اصلاحات دموکراتیک و بازاری تاسیس شد. البته انتقادها و خرده‌گیری‌ها به موازات تحکیم همکاری‌ها روند صعودی به خود گرفت.

در مقابل، رهبران روسیه همواره از انتقاداتی که به نحوه عملکردشان در راستای حکومتداری دموکراتیک می‌شود رنجیده و استدلال کرده‌اند که مسکو قصد دارد نسخه دموکراسی مناسب خود را به مورد اجرا گذارد. با این حال، صرف نظر از برچسب‌های الصاقی به برنامه سیاسی کرملین – اعم از دیکتاتوری قانون، دموکراسی مدیریت‌شده یا نوع خاصی از یک مدل رهبری اوراسیایی – شاخصه‌های نظام سیاسی روسیه امروز با مقتضیات ویژه نظام‌های تکثرگرا، شفاف و مشارکتی سازگار نیستند. در عمل، انتظاری هم جز این نیست که راهکار مراجع حکومتی روسیه به تنگ‌تر شدن فضای عمومی و تحت فشار قرار گرفتن مخالفان داخلی که تنها خواهان مسئولیت‌پذیری کرملین در قبال تصمیمات اتخاذ شده هستند بینجامد. طی پنج سال گذشته، رهبران روسیه عملاً کنترل رسانه‌های دیداری و شنیداری ملی را به‌طور کامل در دست گرفته‌اند. در نتیجه، حالا تقریباً هیچ نظر مستقل یا انتقادآمیزی در مورد تصمیمات یا نحوه عملکرد مراجع حکومتی به چشم نمی‌خورد. رسانه‌های نوشتاری مستقل نیز طی هفته‌های گذشته فشار مضاعفی را از جانب زمامداران مسکو احساس کردند.

کرملین همچنین دائماً به فرمانداران مناطق مختلف و دومای دولتی روسیه فشار آورده است تا نقش خود را ورای ارکان دیگر حکومت این کشور مستولی کند. قوه قضائیه نیز از فساد فراگیر رنج می‌برد و عملاً نتوانسته خودش را به عنوان یک قوه مستقل که توان پیشبرد حاکمیت قانون را دارد طرح کند. در عین حال، نقش سرویس‌های امنیتی این کشور و نفوذ آنها به درون حیات اقتصادی و سیاسی به جایی رسیده است که ناظران روس می‌پرسند آیا دیگر هیچ‌گاه می‌توان آنها را با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز و دموکراتیک به کنترل درآورد. برخی استدلال می‌کنند که بیان صریح انتقادها از دولت اقتدارگرای فعلی روسیه اصلاً سودمند نیست، زیرا این کار باعث خواهد شد تا مراجع حکومتی این کشور حتی بیش از پیش به سرکوب مخالفان داخلی بپردازند. البته کرملین به دلیل حضور هیات‌های بین‌المللی و سازمان‌های ناظر عملاً چاره‌ای جز کاهش فشار خود بر رسانه‌های مستقل و سازش کردن با سازمان‌های غیردولتی ندارد. با این حال، همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شد، نقش انکارناپذیر روسیه در بازار انرژی جهان و پیامدهای بسیار ناگوار ستیزه‌جویی غرب با زمامداران این کشور بر سر موضوعات داخلی باعث شده است تا نوعی احتیاط در روابط غرب با مسکو عیان شود. در این بین، آنچه فدا می‌شود، صداهای مستقل درون روسیه هستند که گویی به خاموشی گراییده‌اند و دیگر هیچ‌گاه شنیده نخواهند شد. به همین خاطر، ضروری است که دموکراسی‌های جهان، با صدایی رسا انتقادات خویش را به گوش رهبران مسکو برسانند و به آنها یادآوری کنند که تداوم رفتارهای مستبدانه در آینده به از دست رفتن موقعیت و جایگاه فعلی روسیه نزد این کشورها خواهد انجامید.

* مدیر مطالعات Freedom House

منبع: The Christian Science monitor, June 21, 2006

یکی از عقب‌افتاده‌ترین مناطق دنیا در جنوب تایلند

در دنیای امروز در هر جای جهان که با سرهای بریده روبه‌رو شویم، اولین فکری که به ذهن شاهدان خطور می‌کند این است که احتمالاً القاعده یا دیگر سازمان‌هایی از این دست در پشت ماجرا قرار داشته‌اند. این وضعیت در منتهاالیه جنوب تایلند و در کنار مرز مالزی نیز برقرار است و هر بار که در این منطقه سر بریده شده‌ای پیدا می‌شود، دولتمردان و مقامات در بانکوک نگران این مسئله می‌شوند که چه بسا تروریست‌های بین‌المللی در خاک آنها هم حضور داشته باشند. آنها از خود می‌پرسند که آیا در آینده نزدیک بمب دیگری در سواحل «پهوکت» و یا «پاتایا» منفجر خواهد شد؟ درست مثل آن بمبی که در سال ۲۰۰۲ و در بهشت توریستی اندونزی یعنی در «بالی» منفجر شد؟

در حال حاضر مقامات تایلند اغلب با این پرسش‌ها درگیر هستند، زیرا در طول سه سال گذشته بیش از هزار نفر در منطقه «پاتانی» به قتل رسیده‌اند. هیچ‌کس و هیچ چیز در آن منطقه در امان نیست، از کشاورز و کارمند و پلیس و سرباز گرفته تا راهبان بودایی و روحانیون اسلامی. به طور کلی در پاتانی هیچ‌کس در امنیت به سر نمی‌برد، نه آن ۱/۸ میلیون مسلمان مالزیایی تبار و نه آن ۶۰۰ هزار تایلندی بودایی.

شاید یکی از دلایل این وضعیت نابهنجار این باشد که دولت تایلند در این بیش از یک‌صد سال گذشته هرگز اهمیت همزیستی با اقلیت مسلمان این کشور را درک نکرده است و البته می‌توان این ادعا را هم مطرح کرد که مسلمانان پاتانی هم اهل همزیستی نبوده‌اند. از طرفی به دلیل وجود انبوه شورشیان، تروریست‌ها و گانگسترها و دیگر جنایتکاران در این منطقه، عملاً به اصطلاح جنگی کوچک در حال انجام است که هیچ جبهه مشخصی ندارد. در تایلند با هر کس در این مورد صحبت می‌کنیم معمولاً از دلایل بالا یاد می‌کند. مردم عقیده دارند که به دلیل ناشناخته ماندن عاملان این جنایت‌ها، روز به روز به وحشت حاصل از وجود آنها افزوده می‌شود و همین قاتلین بی‌نام و نشان هستند که جامعه‌ای را فلج کرده‌اند.

به عنوان مثال دهکده «تاشی» در نگاه اول روستایی آرام با سه هزار نفر سکنه است که آن را کوه‌های پوشیده از جنگل فرا گرفته است. اما همین دهکده زیبا و آرام در عرض چند ثانیه توسط شبه نظامیان روستا به ناگاه چهره عوض می‌کند. آنها ناگهان سروکله‌شان پیدا می‌شود و در حالی که به اسلحه‌های سنگین مجهز هستند، مدارک شما را کنترل کرده و به بازجویی می‌پردازند. این اسلحه‌ها از سوی دولت مرکزی برای دفاع از روستاها در اختیار این افراد قرار گرفته است اما حتی آنها هم نمی‌توانند وحشت خود را از آن قاتلین بی‌نام و نشان که در سیاهی شب شبیخون می‌زنند، پنهان کنند: «شب‌ها از هر زمان دیگر وحشتناک‌تر است».

اهالی منطقه پاتانی در چند دهه اخیر شاهد جنایت‌های بی‌شماری بودند، جنایت‌هایی که نه فقط توسط سربازان قاتل و پلیس‌های شکنجه‌گر دولتی بلکه توسط شورشیان نیز انجام گرفته است، شورشیانی که داعیه جنگ برای رهایی پاتانی از زیر یوغ دولت تایلند را نیز داشته‌اند. سلطان‌نشین سابقاً مستقل پاتانی در سال ۱۹۰۲ ضمیمه خاک تایلند شد و از آن زمان تا به امروز این منطقه روی آرامش به خود ندیده و تبدیل به منطقه‌ای مخوف و وحشتناک شده است. در یک طرف این مناقشه اقلیتی قومی مذهبی قرار دارد که خواهان حقوق از دست رفته خود است و در طرف دیگر دولتی قرار دارد که درصدد است تا این اقلیت را رام و فرمانبردار کند، کاری که گاه با خشونت و گاه با متقاعدسازی صورت می‌گیرد و جالب آنکه دولت تایلند هیچ جایگزین دیگری را هم به جای این دو روش قبول ندارد. از نظر بانکوک، هر کس که فرمانبردار نباشد یک تجزیه‌طلب است و کسی که تجزیه‌طلب باشد خیلی زود تبدیل به یک تروریست می‌شود. و شاید همین رویکرد دولت سبب شد تا از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو، مردم این منطقه هر چه بیشتر به آن به اصطلاح جهادگران گرایش پیدا کنند.

«کوآن نوری» یکی از روستاهای مسلمان‌نشین این منطقه است که مانند بسیاری دیگر از روستاهای اینجا منظره‌ای بس زیبا و دلپذیر و البته فریبنده دارد. دولت تایلند در سال‌های اخیر اقدام به ساخت مدرسه و ورزشگاه و زمین فوتبال در این دهکده کرد تا به گمان خودش مردم اینجا دیگر بهانه‌ای برای شورش نداشته باشند. اما جالب آنکه به گفته همین مقامات دولتی «کوآن نوری» یکی از دژهای مستحکم تروریست‌ها به شمار می‌آید. در چهارم اکتبر ۲۰۰۴ نه تن از اهالی این روستا با اسلحه سرد قصد حمله به یک پاسگاه پلیس را داشتند که البته موفق نشدند و به داخل یک مسجد در مرکز استان پاتانی پناه برده و سنگر گرفتند که البته هر ۹ نفر با گلوله‌های ماموران پلیس در نهایت کشته شدند. آن مسجد که نامش «کروسه» است داستان‌های زیادی از این دست را شاهد بوده است.

آثار انفجار بمب در جنوب تایلند

مردم دهکده کوآن نوری به خوبی می‌دانند که آن ۹ مرد مسلمان چه هدفی داشتند: انقلاب! اما همان حرکت نافرجام کافی بود تا از سه سال پیش به این سو زندگی آرام مردم این دهکده تبدیل به یک جهنم وحشتناک شود و کشاورزی این منطقه هم که بیشتر وابسته به پرورش کائوچو و نخل است، رو به نابودی برود. البته بسیاری از اهالی کوآن نوری عقیده دارند که روزی دهکده آنها تبدیل به مکان قهرمانان تاریخ پاتانی خواهد شد. مسجد کروسه برای این مردم نمادی است از سرکوب‌های دولت بانکوک و «نمادی از اینکه ما تحت لوای چه دولتی زندگی می‌کنیم». این مسجد البته تنها نقطه آغازین شورش‌های سه سال اخیر نیست. در نیمه شب چهارم ژانویه ۲۰۰۴ یکی از اسلحه‌خانه‌های ارتش در ایالت «ناراتیوات» مورد حمله چند صد نفر قرار گرفت و ۴۰۰ قبضه اسلحه به سرقت رفت. ماموران پلیس موفق به دستگیری چند ده نفر از مهاجمین شدند. تعدادی از آنها برای اعتراف به عضویت در جهادگران بین‌المللی(!) تحت شکنجه قرار گرفتند اما کسی نتوانست برای اثبات این ادعا مدرکی ارائه کند.

کاملاً مشخص است که دولت تایلند برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی‌های خود از این به اصطلاح اعتراف‌ها استفاده می‌کرد. به گفته سردبیر یکی از نشریات تایلند: «حتی اگر دولت بخواهد با کسی مذاکره کند تا شاید امنیت آن منطقه برقرار شود، اصلاً معلوم نیست با چه کسی طرف است. چون در تایلند کسی به صورت علنی در مورد مطالبات سیاسی صحبت نمی‌کند». شاید تنها کسانی که این مطالبات را عنوان کرده‌اند، همان اهالی مسلمان پاتانی باشند که البته یا تبعید شده‌اند و یا به قتل رسیده و یا خاموشی گزیده‌اند. یکی از معروف‌ترین و معتبرترین این افراد «حاجی سولونگ» نام داشت که در سال ۱۹۴۷ «بنیاد مردمی پاتانی» را تاسیس کرد. سولونگ یک اصلاح‌طلب مسلمان بود که به هیچ روی از بنیادگرایی حمایت نمی‌کرد. او در سال ۱۹۵۲ ناپدید شد و دیگر کسی از وی خبری و اثری پیدا نکرد. پنجاه سال از ناپدید شدن سولونگ می‌گذرد اما هنوز هم مردم مسلمان پاتانی از خواست‌های وی می‌گویند که عبارت بود از خودمختاری و استقلال. به هر صورت آنچه امروز بیش از هر زمان دیگر مجهول است اینکه آیا در صورت بیان خواست‌های سیاسی، گوش شنوایی هم برای آنها در بانکوک پیدا می‌شود یا خیر؟ حداقل در حال حاضر که چنین چیزی به نظر نمی‌آید. پس از استعفای نخست‌وزیر تایلند یعنی «تاکسین» این کشور به نوعی خلاء و بن بست سیاسی دچار گشته است. انتخابات آینده در راه است و سیاستمداران تایلند تنها در فکر این انتخابات هستند. البته آن جنگ کوچک در پاتانی هم همچنان ادامه دارد. وضعیت این منطقه چه بسا منجر به قدرت گرفتن هر چه بیشتر گروه‌های تروریستی در جنوب تایلند شود و بی‌تردید آنها (تروریست‌ها) اهل هیچ مصالحه‌ای نخواهند بود. رخداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، در تایلند هم آغازگر عصری جدید شد و سیاست‌های جهانی در اینجا هم به مناقشات محلی سرعت بخشید. اگر روزی فرا رسد که مردم پاتانی فرقی میان دولت مرکزی تایلند و کشورهای غربی قائل نشوند، بنیادگرایان به آرزوی خود می‌رسند. اما هنوز هم این مردم تسلیم چنین اندیشه‌ای نشده‌اند. یکی از سیاستمداران مسلمان پاتانی به نام «عماد سومبون بوالوآنک» با حالتی طنزآمیز اما تلخ می‌گوید: «دولت تایلند یگان‌هایی از ارتش را به عراق اعزام می‌کند تا برای مسلمانان عراقی مدرسه و بیمارستان بسازند و در همان حال سربازانش را به پاتانی می‌فرستد تا مسلمانان را به قتل برسانند. من نمی‌توانم این مسئله را درک کنم!»

منبع: Die Zeit
اولریش لادورنر

آمریکا به دنبال حذف رهبران درجه یک القاعده است

اهداف سفر وزیر خارجه آمریکا به پاکستان

گروه بین‌الملل: کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا روز گذشته راهی اسلام‌آباد شد تا در دیدار با مقامات پاکستانی زمینه‌های همکاری‌های بیشتر میان سه کشور پاکستان، افغانستان و آمریکا را درخصوص مبارزه با شبه‌نظامیان طالبان مورد بحث و گفت‌وگو قرار دهد. به گزارش بی‌بی‌سی وزیر خارجه آمریکا گفت که این سه کشور باید برای حل مشکلات و چالش‌های دشوار در منطقه، همکاری‌های نزدیک‌تری داشته باشند. جنگجویان طالبان در هفته‌ها و ماه‌های اخیر حملات خود به نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا و نیروهای دولتی افغانستان را به‌طور چشمگیری افزایش داده‌اند. رایس گفت: «موضوعی که ما باید روی آن بیشتر کار کنیم، همکاری بیشتر میان افغانستان، پاکستان و آمریکا در منطقه است، ما می‌خواهیم در این‌باره گفت‌وگو کنیم که چه کارهای بیشتری می‌توانیم انجام دهیم.»

گزارش خبرگزاری فرانسه نیز حاکی است انتظار می‌رود رایس در جریان سفرش به پاکستان پرویز مشرف رئیس‌جمهور این کشور را ترغیب کند که برای مقابله با خشونت‌های روزافزون در افغانستان و نیز دست یافتن به اسامه بن لادن رهبر القاعده اقدامات بیشتری انجام دهد. وزیر خارجه آمریکا که روز دوشنبه واشینگتن را به قصد اسلام‌آباد ترک کرد قرار است پس از دیدار با مقامات پاکستانی عازم مسکو شود تا بتواند در نشست کشورهای بزرگ صنعتی به‌نام گروه هشت شرکت کند. برخی گزارش‌ها حاکی است پاکستان به شورشیان طالبان اجازه داده است که در مناطق قبایلی و بی‌قانون در مرز دو کشور پناه گرفته و آموزش و سلاح دریافت کنند. «مارویـن وینبائوم» که در گذشته تحلیلگر امور پاکستان و افغانستان در وزارت خارجه آمریکا بود گفت: در حال حاضر مشکلات افغانستان بسیار بیشتر از چندین ماه گذشته است. وی با هشدار به اینکه پاکستان و ایران ممکن است بار دیگر جای پای خود را در افغانستان محکم کنند، گفت: «آنچه ما شاهد آن هستیم این است که افغانستان بار دیگر به کانون توجه تبدیل می‌شود زیرا در گذشته مسائل عراق موجب شده بود که از امور افغانستان غفلت شود.» وی مدعی شد که این دو کشور همسایه و برخی کشورهای دیگر اخیراً بر تحرکات خود افزوده‌اند و ظاهراً می‌کوشند تا از طریق گروه‌های سنتی و متفرق در افغانستان دخالت خود در این کشور را تجدید کنند. پیش از این پاکستان رژیم قبلی طالبان را در کسب قدرت در افغانستان یاری داده بود و بن لادن رهبر القاعده نیز در دامن طالبان قدرت گرفت ولی پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ این کشور سیاست خود را در قبال طالبان تغییر داد و به یکی از متحدان اصلی آمریکا در مبارزه با تروریسم تبدیل شد.

در همین حال روزنامه واشینگتن پست گزارش داد که اختلاف نظر روزافزونی میان کابل و کشورهای حامی افغانستان به وجود آمده است. در حال حاضر بیش از سی هزار نیروی خارجی در افغانستان حضور دارند تا دولت این کشور را در مقابله با حملات و شورش‌های طالبان یاری دهند. به نوشته واشینگتن پست چندین دولت اروپایی نسبت به رهبری حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان ابراز نگرانی جدی کرده‌اند. این کشورها به ناتوانی دولت کنونی افغانستان در برخورد با مسائلی نظیر فساد فزاینده، گزارش‌های حاکی از دستبرد به مسافران توسط افراد پلیس، افزایش قاچاق مواد مخدر و ناپدید شدن کمک‌های مالی صورت گرفته، اشاره می‌کنند. با وجود اینکه رایس می‌کوشد توجه خود را به مقابله با طالبان معطوف کند ولی سفر رایس هدف دیگری نیز دارد و آن افزایش فشارها بر مشرف برای دستگیری بن لادن رهبر القاعده و ایمن الظواهری مرد دوم این سازمان است. گفته می‌شود این دو نفر در شمال غربی پاکستان مخفی شده‌اند. پس از کشته شدن ابومصعب زرقاوی رهبر القاعده در عراق اکنون دولت بوش توجه خود را به دستگیری یا کشتن بن لادن یا ایمن الظواهری و یا حتی ملاعمر رهبر طالبان معطوف کرده است.

در همین راستا کارمن بوخاری تحلیلگر ارشد موسسه پیش‌بینی‌های راهبردی می‌گوید: «اگر هر یک از این افراد حذف شوند موجب تائید درستی رهیافت بوش در برخورد با مسئله تروریسم خواهد شد و موقعیت او در انتخابات میان‌دوره‌ای در نوامبر آینده را تقویت خواهد کرد. به گفته این تحلیلگر مهم‌ترین مسئله‌ای که احتمالاً در گفت‌وگوی رایس با پرویز مشرف مطرح می‌شود همین مسئله است زیرا در این لحظه از زمان جدی‌ترین مسئله برای دولت بوش وضعیت افغانستان و دست یافتن به پیشرفت ملموس در مبارزه با تروریسم است و این از طریق انجام یک اقدام قابل توجه علیه اسامه، ظواهری یا ملاعمر است.

در یک درگیری در سومالی ۵ تن کشته شدند

افزایش نگرانی آمریکا از قدرت گرفتن ظاهر اویس در سومالی

گروه بین‌الملل: به گفته شاهدان عینی در درگیری‌هایی که روز گذشته میان نیروهای محاکم اسلامی و نیروهای یک ایست بازرسی در جاده موگادیشو به منطقه موسوم به «شابل» روی داد پنج تن کشته شدند. به گزارش آسوشیتدپرس این ایست بازرسی توسط افراد قبیله هابر قیدیر کنترل می‌شد و این افراد دارندگان وسایل نقلیه را وادار می‌کردند که برای عبور از جاده عوارض بپردازند. خبرگزاری فرانسه نیز از «موگادیشو» گزارش داد: در جریان حمله نیروهای دادگاه‌های شرعی به پایگاه‌های جنگ‌سالاران مورد حمایت آمریکا دست‌کم ۵ تن کشته و ۶ تن دیگر زخمی شدند. «عبدی قیدید» از جنگ‌سالارانی که مواضعش در «لافول» (واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب موگادیشو) مورد حمله قرار گرفت در این‌باره گفت: در این حمله دو تن از نیروهای پلیس سومالی و سه غیرنظامی کشته شدند. پس از این درگیری اتحاد محاکم اسلامی اعلام پیروزی کرد ولی هنوز جزئیات بیشتری در این مورد منتشر نشده است. ائتلاف دادگاه‌های شرعی در سومالی روز پنجم ژوئن (۱۵ خرداد) پس از چهار ماه درگیری، جنگ‌سالاران تحت حمایت آمریکا را از «موگادیشو» بیرون راند.

در همین حال رئیس شبه‌نظامیان سومالی تشکیل دولت اسلامی را در این کشور پیش‌بینی کرد. روحانی‌ای که به عنوان رهبر شبه‌نظامیان اسلامگرای سومالی انتخاب شده، اظهار داشت که ایجاد حکومت اسلامی را برای این کشور پیش‌بینی می‌کند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، شیخ حسن ظاهر اویس که آمریکا وی را همدست شبکه تروریستی القاعده و در لیست مظنونان ترور قرار داده، گفت: سومالی یک کشور مسلمان است که مردمش هم صددرصد مسلمان‌اند؛ لذا هر دولتی که ما با روی کار آمدن آن موافقت کنیم باید مبتنی بر قرآن و آموزه‌های حضرت محمد(ص) عمل کند. اسلامگرایان سومالی در ماه جاری موفق شدند ائتلاف جنگ‌سالاران سکولار و تحت حمایت آمریکا را شکست داده و کنترل موگادیشو، پایتخت سومالی را در دست بگیرند. اکنون مناطق جنوبی این کشور تحت کنترل اسلامگرایان قرار دارد. این در حالی است که مواضع ظاهر اویس می‌تواند باعث رویارویی موگادیشو با دولت آمریکا و سازمان ملل متحد شود. شیخ شریف شیخ احمد رهبر سابق شبه‌نظامیان اسلامگرا، همواره از غرب و دولت موقت کشورش که تحت اداره سازمان ملل بود، حمایت می‌کرد. رهبر جدید شبه‌نظامیان ضمن محکوم دانستن دموکراسی به سبک غرب، گفت که موظف به اطاعت از خواست‌های غرب نیست. ظاهر اویس ۷۱ ساله افزود: روابط ما با آمریکا به نوع رفتار آمریکا با ما بستگی دارد. اگر واشینگتن با ما درست برخورد کند، ما نیز برخورد متقابل خواهیم داشت و بالعکس. دولت آمریکا پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نام رهبر جدید اسلامگرایان سومالی را در لیست تروریست‌ها قرار داد. اویس پس از این حملات اختفا گزید و تا اوت ۲۰۰۵ ظاهر نشد.

از سوی دیگر آمریکا تعامل با محاکم شرعی سومالی را بعید دانست. خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «آمریکا تعامل با رئیس جدید نیروهای محاکم شرعی در سومالی را بعید دانست چرا که معتقد است نام «شیخ حسن ظاهر اویس» در فهرست تروریست‌های تحت تعقیب آمریکا ثبت است.» «شان مک کورمک» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که واشینگتن هنوز تصمیمی درباره تعامل با نیروهای محاکم شرعی سومالی اتخاذ نکرده و منتظر می‌ماند تا اقدامات این نیروها را بنگرد. پایگاه خبری فایننشال تایمز نیز روز سه‌شنبه نوشت: انتخاب شیخ حسن ظاهر اویس به عنوان رئیس شورای «دادگاه‌های اسلامی» سومالی کشورهای غربی را نگران کرده است. این رسانه اینترنتی افزود: «شیخ شریف احمد» رئیس سابق دادگاه‌های مذکور فرد معتدلی است، اما حسن ظاهر به خاطر داشتن ارتباط با القاعده، تحت تعقیب مقام‌های آمریکایی است. این روزنامه انگلیسی در مورد علت نگرانی کشورهای غربی نوشت: دادگاه‌های اسلامی در حال نفوذ روزافزون در این کشور شاخ آفریقا هستند و افرادی همچون «حسن ظاهر» که به‌شدت با آمریکا مخالف هستند نیز بیشتر موجب نگرانی غرب شده‌است. اسلامگرایان سومالی روز یکشنبه گذشته، حسن ظاهر اویس را به ریاست شورای «دادگاه‌های اسلامی» این کشور برگزیدند و «شریف شیخ احمد» رئیس سابق این تشکیلات، به عنوان رئیس کمیته اجرایی شورای مذکور منصوب شد که به امور روزمره رسیدگی می‌کند. فایننشال تایمز در ادامه نوشت: هنوز مشخص نیست که کدام یک از دو شخصیت اسلامی مزبور، نقش قدرتمندتری در سومالی خواهند داشت. به نوشته این نشریه جنگجویان اسلامگرای سومالی که علیه جنگ‌سالاران مورد حمایت آمریکا می‌جنگیدند، در ماه میلادی گذشته به پیروزی دست یافتند.

خبرها

توافقنامه نظامی انگلیس و لیبی

ایسنا: لندن و طرابلس توافقنامه نظامی امضا کردند. به گزارش پایگاه اینترنتی المحیط، در راستای بازگرداندن صفحه جدیدی در روابط لیبی و انگلیس بعد از اینکه سال‌های طولانی روابط دو کشور تیره بود، در سفر کیم هاولز معاون وزیر امور خارجه انگلیس به لیبی توافقنامه‌ای نظامی میان وی و عبدالعاطی عبیدی مسئول امور کشورهای اروپایی در لیبی امضا شد. به موجب این توافقنامه انگلیس باید از شورای امنیت بخواهد تا در صورت هر گونه حمله با سلاح‌های شیمیایی و میکروبیولوژیکی علیه لیبی، از آن حمایت کند. به موجب این توافقنامه انگلیس باید تجهیزات دفاعی لیبی را تقویت کند. همچنین دو طرف بر همکاری مشترک در راستای مبارزه با تروریسم متعهد شدند. براساس این توافقنامه انگلیس متعهد شد تا در راستای استفاده مسالمت‌آمیز لیبی از انرژی هسته‌ای از آن حمایت کند. هاولز اظهار داشت: این توافقنامه می‌خواهد به دیگر کشورهایی که خواهان پیوستن به جامعه جهانی هستند بگوید که راه برای پیوستن به جامعه و سازمان‌های جهانی باز است. ناظران اظهار داشتند: این توافقنامه همچنین نشان داد که روابط لیبی و انگلیس تا همکاری نظامی مشترک بهبود یافته است.

کره شمالی و سوخت ۱۳ سلاح هسته‌ای

فارس: نتایج تحقیقاتی که توسط یکی از بازرسان پیشین سازمان ملل انجام شده، نشان می‌دهد کره شمالی در طول دوران فعالیت دولت بوش توانسته پلوتونیوم لازم از یک تا دو سلاح هسته‌ای را به ۱۳ سلاح افزایش دهد. به گزارش خبرگزاری رویترز از واشینگتن این مطالعات که از سوی «دیوید آلبرایت» انجام شده نشان داده است، پیونگ‌یانگ که به تازگی تهدید کرده موشک بالستیک دوربرد خود را آزمایش خواهد کرد و موجبات نگرانی واشینگتن و آسیا را به همراه داشته، امکان دارد تا اوایل ۲۰۰۹ که بوش مسند ریاست جمهوری این کشور را به فرد دیگری خواهد سپرد تعداد تسلیحات هسته‌ای خود را به ۱۷ عدد برساند. این بررسی‌ها براساس تحلیل‌ها و تصویرهای ماهواره‌ای برداشت شده از فعالیت‌های رآکتور هسته‌ای پنج مگاواتی در «یونگ بیون» و یا گزارش‌های رسانه‌ای و بیانیه‌های صادر شده توسط مقامات کره شمالی انجام گرفته است. آلبرایت و «پل برانان» به عنوان تدوین‌کنندگان این طرح ادعا کردند: «کره شمالی به طور تخمینی تاکنون اورانیوم کافی برای توسعه زرادخانه هسته‌ای در اختیار دارد که حدوداً برابر با ۴ الی ۱۳ سلاح هسته‌ای و به اندازه توان هسته‌ای آفریقای جنوبی در اواخر دهه ۱۹۸۰ است.»

رئیس‌جمهوری جدید ویتنام انتخاب شد

بی‌بی‌سی: مجمع ملی – پارلمان – ویتنام نگوین مینه‌تریت را به عنوان رئیس جمهوری جدید این کشور برگزیده است. روز سه‌شنبه اعلام شد که آقای نگوین که دبیر دفتر حزب حاکم کمونیست در هوشی مینه سیتی، پایتخت و تنها نامزد احراز سمت ریاست جمهوری بود با رای ۹۴ درصد از نمایندگان مجمع ملی به عنوان رئیس جمهوری جدید این کشور برای یک دوره پنج ساله انتخاب شده است و انتظار می‌رود در ادامه جلسه همین روز، نخست‌وزیر جدید را برای تایید نمایندگان مجمع معرفی کند. رئیس جمهوری ویتنام پس از دبیر کل حزب کمونیست و رئیس شورای وزیران – نخست وزیر – بالاترین مقام دولتی محسوب می‌شود و همچنین ریاست کشور را نیز بر عهده دارد. گفته می‌شود که تغییرات اخیر حاکی از تمایل تشکیلات حزبی به انتقال قدرت از نسل قدیمی‌تر رهبران سیاسی به رهبران جوان‌تر در این کشور است. در پی انتخاب رئیس جمهور جدید انتظار می‌رود وی نگوین تان دونگ معاون ۵۶ساله نخست‌وزیر را به جای آقای فان‌وان‌خای ۷۲ساله برای کسب تایید مجمع ملی معرفی کند. در عین حال نونگ دوک‌مانه دبیرکل حزب کمونیست که پرقدرت‌ترین مقام در ویتنام به شمار می‌رود همچنان در سمت خود باقی است.

کویزومی راهی کانادا و آمریکا شد

ایسنا: «جونیچیرو کویزومی» نخست‌وزیر ژاپن سه‌شنبه راهی کشورهای آمریکا و کانادا شد. کویزومی در جریان این سفر قرار است با «جورج بوش» رئیس جمهوری آمریکا و «استفان هارپر» نخست‌وزیر کانادا دیدار کند. کویزومی پیش از سفر به آمریکا قرار است روز چهارشنبه در «اتاوا» با هارپر دیدار و گفت‌وگو کند. انتظار می‌رود که کویزومی و هارپر درباره مسائل مختلفی از جمله چگونگی آینده همکاری دوجانبه ژاپن و کانادا به عنوان دو عضو «گروه هشت» گفت‌وگو کنند. به گفته منابع ژاپنی همکاری دو کشور در زمینه امنیت انسانی، مناسبات اقتصادی دوجانبه، مسئله اصلاح ساختار سازمان ملل و تغییرات آب و هوایی از جمله محورهای مورد گفت‌وگو در نشست نخست‌وزیران ژاپن و کانادا شمرده می‌شود. این اولین دیدار هارپر با کویزومی از زمان به قدرت رسیدنش در ماه فوریه گذشته شمرده می‌شود. کویزومی پس از این دیدار، روز پنجشنبه در واشینگتن با جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا دیدار خواهد کرد. کویزومی و بوش قرار است علاوه بر بررسی مناسبات و همکاری‌های دوجانبه، مسائل مختلفی که هم اینک جامعه بین‌الملل با آن مواجه است را مورد گفت‌وگو قرار دهند.

دعوت رئیس‌جمهور گرجستان به کاخ سفید

ایسنا: کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای ضمن ستایش از «انقلاب رز» به‌عنوان یک واقعه مهم در تاریخ کنونی از گرجستان به‌عنوان متحد کلیدی خود در منطقه و شریکی با ارزش در جنگ علیه تروریسم و ائتلاف غرب در جنگ عراق یاد کرد. به گزارش خبرنگار ایسنا در آسیای میانه، در این بیانیه از میخائیل ساآکاشویلی رئیس جمهور گرجستان برای سفر به واشینگتن دعوت شده است. قرار است ساآکاشویلی روز پنجم ژوئیه (۱۴ تیر) با جورج بوش رئیس جمهور آمریکا درکاخ سفید ملاقات کند. محورهای مذاکرات روسای جمهور دو کشور حل مناقشات، الحاق گرجستان به ساختارهای یورو آتلانتیک و تحکیم انتقال دموکراتیک گرجستان پس از انقلاب رز عنوان شده است.